

فرشتگان نیستند که درباره آنان طلب آموزش می‌نمایند بلکه مومنان نیز درباره گذشتگان نیز چنین کار انجام می‌دهند. (ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان) (حشر/10) پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند ببخشای! 5- توسل به دعای پیامبر در زمان حیات: در منزلت پیامبر (ص) کافی است که بدانیم خدا او را مایه مصونیت مردم از عذاب می‌شمارد و تصریح می‌کند که تا او در میان مردم است خدا آنان را با نزول عذاب مجازات نمی‌کند: (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (انفال/33) هرگز تا تو در میان آنان هستی خدا آنان را مجازات نمی‌کند همچنانکه ایشان را تا زمانی که طلب آموزش می‌کنند عذاب نمی‌کند. در عظمت پیامبر گرامی اسلام کافی است که خدا نام او را در کنار نام خود و اطاعت او را در کنار اطاعت خویش قرار داده است. و همچنین فرزندان حضرت یعقوب از پدر درخواست استغفار کردند. 6- توسل به دعای پیامبر (ص) پس از رحلت: با توجه به اصول چهارگانه که در سؤال مربوط به امکان ارتباط مطرح گردیده ثابت شد که انسان‌های والا در جهان برزخ حی و زنده هستند و ارتباط ما با آنان برقرار است در این صورت درخواست دعا از آنان در هر دو حالت حیات (دنیوی و برزخی) کاملاً منطقی خواهد بود و آیه مربوط به درخواست استغفار، هر دو حالت را در بر می‌گیرد اینجا که می‌فرماید: (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا لِلَّهِ تَوَابًا رَحِيمًا) (نساء/66) ترجمه: و اگر آنان هنگامی که بر خود ستم کرده‌اند به نزد تو بیایند، و خود از خدا آموزش بخواهند و پیامبر نیز برای آنان طلب آموزش کند، خدا را توبه‌پذیر و مهربان خواهد یافت. مسلماً ریشه استجابت دعای پیامبر را باید در روح پاک و نفس کریم و قرب ایشان به خداوند جستجو کرد. به پاس این کرامت معنوی است که خداوند دعای او را می‌پذیرد، زیرا دعای برخاسته از روح پاک و قلب مملو از مهر الهی، بدون چون و چرا به هدف اجابت می‌رسد و در این مورد، فرقی بین حیات مادی و حیات برزخی نیست. گواه بر این که آیه یاد شده اختصاص به زمان حیات رسول خدا (ص) ندارد. این است که مسلمانان جهان از عصر صحابه و تابعان تا به امروز عملاً این باب رحمت را باز می‌دانند و زائران روضه مطهر هم اینک پس از تقدیم سلام و درود به پیشگاه ارجمند پیامبر، آیه یاد شده را تلاوت می‌کنند. ضمن استغفار به درگاه الهی از پیامبر نیز می‌خواهند که برای آنان طلب آموزش کند. و هر فردی در هر زمانی که به حرم آن حضرت مشرف شود، زائران را در این حالت می‌یابد. 7- توسل به منزلت انسان‌های پاک و والا: تا اینجا محور سخن، توسل به دعای پیامبر (ص) در زمان حیات و پس از رحلت بود. ولی دامنه توسل گسترده‌تر از آن است. بلکه طبق احادیث صحیح، انسان می‌تواند به وجود پاک و والای اولیای الهی توسل جوید و شخصیت ارزنده آنان را بین خود و خدا واسطه سازد. مثلاً بگوید: خدایا به عزیزان درگاهت- به قرب و منزلت اولیای گرامی‌ات به حق پیامبر و آل پاکش. در این تعبیرها و مانند آن، مایه قرب و وسیله کارساز، شخص انسان والا و صفات برجسته اوست. و درباره این نوع توسل، افزون بر رواج و گسترش آن در میان مسلمانان روایت صحیحی به نام «171# حدیث ضریب» وارد شده و گروه مخالف نیز بر صحت و استواری آن اعتراف می‌نمایند. حدیث چنین است: عثمان بن حنیف گوید: «إِنَّ رَجُلًا ضَرِيْبًا أَتَى النَّبِيَّ فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُعَافِيَنِي. نَابِيْنَاهُ خِدْمَتِ بِبِامْبِر(ص) أَمَد و گفتم: دعا کن خدا به من شفا دهد. فقال (ص): إِنْ شِئْتَ دَعْوَتِ و إِنْ شِئْتَ صَبْرَتِ وَ هُوَ خَيْر. بِبِامْبِر(ص) فَرَمُود: اِگَر بِخَوَهِی دَعَا مِی‌کَنَم. و اِگَر مِی‌تَوَانی صَبْر کَن و اَن بَهْتَر اِست. فِقَالَ: نَادَعُهُ فَاَمْرَهُ (ص) اَن یَتَوَصَّأَ فِیْخَسِنَ وَضِوْءَهُ وَ یُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ یَدْعُو بِهَذَا الدَّعَاءِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدَ بَنِي الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتُقْضَى، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِي» نَابِيْنَا گفتم: خدا را بخوان و دعا کن. در این موقع پیامبر (ص) فرمود: وضو نیکو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و پس از آن چنین دعا کن، پروردگارا من از تو مستلت می‌کنم و به واسطه پیامبر «171# محمد» که پیامبر رحمت است، به سوی تو روی می‌آورم. ای محمد من بوسیله تو به پروردگارم رو آورده‌ام تا حاجتم برآورده شود. پروردگارا شفاعت او را در حق من بپذیر. ابن حنیف می‌گوید: «171# قَوْلَ اللَّهِ مَا تَفَرَّقْنَا وَ طَالَ بِنَا الْحَدِيثِ حَتَّى دَخَلَ عَلَيْنَا كَان لَمْ يَكُنْ بِه ضَرٌّ» ابن حنیف می‌گوید: ما در محضر رسول خدا (ص) بودیم، طولی نکشید که این پیرمرد بر ما وارد شد گویی اصلاً نابینا نبوده است. باید دقت نمود که پیامبر گرامی اسلام (ص) چگونه به او آموزش داده که به شخص وی (نه به دعای او) و اوصاف برجسته‌اش توسل جوید. و چنین بگوید: (الف) أَسْأَلُكَ يَنْبِيَّكَ ب) أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ ج) مُحَمَّدَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ. این جمله‌ها حاکی از آن است که فرد نابینا، شخص پیامبر (ص) را که مظهر رحمت است، واسطه قرار داده است. ممکن است برخی از خوانندگان علاقه‌مند باشند که از صحت حدیث مطمئن شوند. یاد آور می‌شویم این حدیث از احادیث صحیح است که ترمذی آن را نقل کرده است. جالب اینجاست که ابن تیمیه رهبر فکری وهابیان نیز بر صحت حدیث اعتراف نموده است رفاعی، یکی از نویسندگان وهابی معاصر می‌گوید: شکی نیست که این حدیث صحیح و مشهور است. لازم به ذکر است که این جریان بار دیگر در عصر عثمان تکرار گشت و مشکل مرد حاجتمندی با توسل به این دعا حل شد. با این تفاوت که در رویداد اول شخص پیامبر (ص) معلم آن نابینا بود. ولی در رویداد دوم، عثمان بن حنیف صحابی عالی مقام، مرد حاجتمند را آموزش داد. 3- نظر بزرگان اهل سنت در مورد توسل: 1- محی الدین نووی که از محدثان عالی مقام اهل سنت و شارح صحیح مسلم است می‌نویسد: زائر رو به رسول خدا کند و درباره خویش به او توسل شود، و بوسیله او بسوی خدا شفاعت جوید و از زیباترین چیزها همان است که ماوردی قاضی ابوالطیب، و دیگر اساتید ما از عتبی نقل کرده‌اند. عتبی می‌گوید روزی کنار قبر رسول خدا (ص) بودم مردی از بیابان آمد و گفت: «171# السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ قَدْ جِئْتُكَ مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي مُسْتَشْفِعًا إِلَيَّ رَبِّي» ای رسول خدا اینک به نزد تو آمدم، از گناهم استغفار می‌کنم و تو را شفیع به نزد پروردگارم قرار می‌دهم. 2- ابن خدامه حنبلی صاحب کتاب «171# مغنی» در آداب زیارت پیامبر اکرم (ص) ضمن طرح این مطلب که زیارت پیامبر (ص) مستحب است. از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: هر کس به من سلام کند من پاسخ سلام او را می‌گویم سپس از «171# عتبی» سرگذشت عرب یاد شده را که از «171# نووی» آوردیم نقل می‌کند، هدف وی از نقل این داستان آن است که زیارت آن حضرت به

اینکه آنها واسطه بین حاجتمند و خدا قرار گرفته باشند. البته از دیدگاه آنان استغاثه در روز قیامت به ساحت قدس پیامبران اشکالی ندارد و چون برای پیامبران، دیگر اولیاء، صلحاء و شهداء حق شفاعت قرار داده شده لذا صحیح است که گفته شود: «اللهم اشفع فی نبیک»؛ یا «اللهم ارزقنی شفاعه نبیک»؛ سیرة اصحاب در مسأله توسل: سیرة اصحاب و مسلمین در زمان پیامبر (ص) و پس از او پیوسته بر این جاری بود که مسلمانان به ذات اولیاء الهی و مقام و منزلت آنان توسل می‌جستند. اینک ما نمونه‌هایی را در اینجا متذکر می‌شویم. ابن اثیر عزّ الدین علی بن محمد بن عبد الکریم جزری (متوفای 630 هـ) در کتاب (اسد الغابه فی معرفه الصحابه) می‌نویسد: «و استسقی عمر بن الخطاب بالعباس عام الرماده لما اشر القحط فسقاهم الله تعالی به واخصبت الارض فقال عمر هذا»؛ و الله الوسیله الی الله و المكان و قال حسن: سال الامام و قد تتابع جد بنا فسقی الغمام بغره العباسم النبوی و صنو والده الذی ورث النبوی بذلك دون الناساحیا الاله به البلاد فاصجت مخضره الافباب بعد الیاسو لما سقی الناس طفقوا يتمسحون بالعباس و یقولون هنیئا لك ساقی الحرمین. ترجمه: در سال و ماه وقتی قحطی به اوج رسید، عمر بوسیله عباس طلب باران نمود. خداوند بوسیله او آنان را سیراب کرد و زمین‌ها سرسبز گردید. پس عمر روبه مردم کرد و گفت: به خدا سوگند عباس وسیله ما است به سوی خدا و مقامی نزد خدا دارد. حسان بن ثابت، در مورد او اشعاری سرود و گفت: پیشوا هنگامی که قحطی شدید همه جا را فرا گرفته بود در خواست باران نمود آنگاه ابر آسمان به نورانیت عباس مردم را سیراب کرد. عباس که عموی پیامبر (ص) و همتای پدر پیامبر (ص) است، مقام و منزلت را از او به ارث برده است. خداوند به وسیله او سرزمین‌ها را زنده کرد. همه جا پس از نومی‌دی سرسبز گردید. و وقتی آب باران همه جا را گرفت. مردم با مسح بدن عباس شکر می‌جستند و می‌گفتند آفرین بر تو ای ساقی دو حرم. ملا حظه این قطعه تاریخی که قسمتی از آن نیز در «صحیح بخاری» وارد شده است. می‌رساند که یکی از مصادیق «وسیله» توسل به ذوات محترم و صاحب منزلتی است که خود مایه قرب و سبب شایستگی در داعی و متوسل می‌گردد. (2) قسطلانی احمد بن محمد بن ابی‌بکر، معاصر در «جلال الدین سیوطی» (متوفای 922) در کتاب المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة فی سیره النبویه «که در مصر چاپ شده است می‌نویسد: «انّ عمر لما استسقی بالعباس قال یا ایها الناس ان رسول الله (ص) کان یری للعباس ما یری الولد للوالد فاقتدوا به فی عمه و اتخذوه وسیله الی الله تعالی ففیة التصریح بالتوسل و بهذا یبطل قول من منع التوسل مطلقا بالاحیاء و الاموات و قول من منع ذلك بغیر النبوی» ترجمه: وقتی عمر به وسیله عباس طلب باران نمود، گفت ای مردم، پیامبر خدا (ص) به عباس از دید پدری می‌نگریست، از او پیروی کنید و او را وسیله خود به سوی خدا قرار دهید، این عمل اندیشه کسانی ایست که توسل را مطلقاً و یا به غیر پیامبر (ص) تحریم کرده‌اند باطل می‌گرداند. (3) بخاری در صحیح خود نقل می‌کند: «ان عمر بن الخطاب کان اذ قحطو استسقی بالعباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه و قال اللهم کنا نتوسل الیک بنبینا فتسقینا و انا نتوسل الیک بعمّ نبینا فاسقنا قال فیسقون» عمر بن خطاب در مواقع قحطی به عباس بن عبدالمطلب متوسل می‌گردید و می‌گفت: پروردگارا ما در گذشته به پیامبرت متوسل می‌شدیم و رحمت خود را می‌فرستادی، اکنون به عموی پیامبرت متوسل می‌شویم، رحمت خود را بفرست، در این هنگام باران ریزش کرد و همگی سیراب شدند»؛ در صحت و اتقان حدیث سخنی نیست ضمناً «رفاعی»؛ از وهابیون معاصر که به عناوین گوناگون احادیث متواتر توسل را رد می‌کند به صحت این حدیث اذعان داشته است و می‌گوید: «إن هذا الحدیث صحیح ... فانّ صح هذا الجواز شرعاً ضح من اسبق الناس الی‌الآخذ به والعمل بمقتضاه»؛ «بدرستی که این حدیث صحیح می‌باشد ... اگر مفاد حدیث دلیل بر صحت توسل به اشخاص باشد ما از پیش‌گام‌ترین کسانی هستیم که مفاد آن را اخذ می‌کنیم و به آن عمل می‌کنیم»؛ تهیه و تنظیم: محمدعلی فاضلی‌نسبکارشناس مسئول اداری و پشتیبان‌یاداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجانشرقی